



جمهوری اسلامی ایران
 قوه قضائیه
 سازمان بازرسی کل کشور

کنترل پژوهشی

دو هفته نامه علمی / تحلیلی سازمان بازرسی

پرتوی از اخلاق اسلامی در بازرسی

۳۳



معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع
 مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی
 معاونت پژوهشی
 فروردین ۱۳۹۰



گزارش پژوهشی

سال چهارم، شماره ۳۳، فروردین ۱۳۹۰

پرتوی از اخلاق اسلامی در بازرسی یوسف ذوالفقاری

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور
مدیر مسئول: حسن صفرخانی
دبیر تحریریه: دکتر نوروز هاشم زهی
مدیر اجرایی: حسین قلجی
طرح جلد: مجید مقصودی

معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع

مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

معاونت پژوهشی

تلفن: ۶۱۳۶۲۰۳۲

مطالب مندرج در این گزارش پژوهشی نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.
کلیه حقوق مربوط به سند حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیر مجاز می‌باشد.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
۲	مقدمه:.....
۵	اقسام نظارت و بازرسی:.....
۵	نظارت قدسی:.....
۶	نظارت و بازرسی خود کنترلی:.....
۷	نظارت و بازرسی غیري:.....
۸	نقش اخلاق بازرسی در توسعه معنوی دستگا ههای نظارتی:.....
۱۸	آسیب شناسی اخلاق بازرسی:.....
۲۰	تضییع حق مؤمن.....
۲۱	لزوم رعایت حق مومن.....
۲۳	تجسس و سوء ظن بی مورد.....
۲۶	قاعده کلی.....
۳۱	میزان الگو بخشی رفتار بازرسان بر کارگزاران:.....
۳۸	اخلاق بازرسی در احادیث و روایات(ویژگی های اخلاقی بازرس).....
۴۲	صداقت و وفاداری:.....
۴۲	بازرسی همراه با مهربانی:.....
۴۴	تیزبینی و جدیت:.....
۴۸	عزت نفس و پرهیز از ذلت و خواری:.....
۵۰	مدارا و سازش در رفتار:.....
۵۱	منابع و مأخذ:.....

پیشگفتار

اهمیت نقش و جایگاه رعایت اخلاق اسلامی و موازین شرعی در نظارت و بازرسی بر هیچ کس پوشیده نیست و با توجه به وظیفه حساس بازرسی و نظارت، بازتاب این موازین و معیارهای اخلاقی در منش و کردار بازرسان بسی مهم و حیاتی است. از این رهگذر، مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان بر آن شده است، تا با استفاده از منابع و متون گرانسنگ اسلامی، به ویژه نهج‌البلاغه که جلوه‌های عملی نظارت و بازرسی علوی در آن به وضوح قابل مشاهده می‌باشد، منابعی را تدوین نماید. از این رو، مقاله حاضر که علاوه بر ذکر اصطلاحات و تعاریف اولیه، در بردارنده مطالبی در باب آسیب شناسی اخلاق بازرسی و راه‌های مصون ماندن از مخاطرات و آسیب‌های احتمالی در بازرسی است تهیه و در اختیار پژوهشگران گرامی قرار گرفته است. امید است که مطالب آن مورد استفاده بازرسان، کارشناسان و پژوهشگران قرار گیرد.

حسن صفرخانی

رئیس مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

مقدمه:

آنچه پیش روی شماست، رساله‌ای است تحت عنوان اخلاق بازرسی، قبل از ورود به مباحث اخلاق بازرسی لازم دانسته ایم، از باب تذکر، با اصطلاحات و عناوینی به شرح ذیل، آشنا شویم.

* [عریف، نقیب، عین، بازرس]

* [تفاوت نظارت با بازرسی]

* [اقسام نظارت و بازرسی]

عریف، نقیب، عین، بازرس:

آنچه که امروزه از آن به عنوان بازرس تعبیر می‌شود، در متون دینی و آثار گذشتگان تحت عناوینی چون عریف، نقیب و عین، استعمال می‌شده است.

نقل شده است که ابن حجر در بیان معنای عریف گفته است: «عریف بر وزن عظیم کسی است که به امور طایفه‌ای از مردم رسیدگی می‌کند، من عریف شدم یعنی امر تدبیر و سیاست قوم را به من داده‌اند و عریف نامیده شد چون که کارهای آنها را شناسایی می‌کند تا به ما فوق خود در وقت مناسب برساند و گفته شده که عریف مقامی است پایین‌تر از منکب و منکب هم مقامی است پایین‌تر از امیر»^۱

و اما در قرآن کریم در استعمال واژه نقیب آمده است:

«وَلَقَدْ اخذ الله ميثاق بني اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر نقيباً»^۲

«و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نقیب

برگزیدیم.»

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «نقیباً ای آمیناً کفیلاً»^۳ «نقیب یعنی امین و کفیل»
و نیز در این تفسیر نقیب به معنای رئیس و شاهد و گواه بر قوم نیز آمده است.

و در تفسیر جوامع الجامع آمده است: «ولنقیب الذی ینقب عن احوال القوم ای یفتش عنها...»^۴
«و نقیب کسی است که از احوال قوم به جستجو و کاوشگری می پردازد.»

و اما در فرهنگ و ادب نهج البلاغه از آن به عنوان «عین» و به صورت جمع «عیون» تعبیر می شده است، که متداولترین آن ها در معنای مقصود هست.

مرحوم فیض الاسلام (ره) در نامه ی پنجاه و سوم نهج البلاغه که به عهد نامه مالک اشتر اختصاص یافته است، عیون را در عبارت مولای متقیان که فرمود ((وأبعث العیون ..))^۵ به معنای بازرس ها ترجمه نموده است.

در نهج البلاغه عین به معنایی چون دیده، چشمه، چشم و دیده بان استعمال شده است و همچنین در قرآن کریم به معنای چشمه نیز آمده است.

((فاخرجنا هم من جنّاتٍ وعیونٍ))^۶

(پس بیرون کردیمشان از بوستان ها و چشمه سارها)

ناگفته نماند که در فرهنگ و ادب عرب برای "عین" تا هفتاد معنی وضع شده است.

با سیر در متون دینی می بینیم بسیاری از محققین و پژوهشگران در ترجمه‌ی عین به فارسی عبارت دیده بان را به کار برده‌اند.

در نامه‌ی یازدهم نهج البلاغه آمده است:

((واعلموا أنَّ مقدمه القوم عیونهم و عیون المقدمه طلائعهم))

در ترجمه‌ی آن آورده‌اند: و بدانید مقدمه‌ی لشکر دیده بانان دشمن‌اند، و دیده بانان طلایه داران سپاهند.

ملاحظه می‌شود که، در این عبارت واژه عیون به معنای دیده بانان ترجمه شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز، بازرسی به عنوان دیده بان و چشم حکومت شناخته می‌شود.

تفاوت نظارت با بازرسی:

نظارت و بازرسی، واژه‌گانی هستند که، در اغلب موارد با هم آورده شده و از آن اراده‌ی معنایی مترادف می‌شود، لیکن با اندکی تأمل بر موارد استعمال هر یک از آن در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام، مشاهده

می‌شود که نظارت به تدبیر و تأمل و ارزیابی حین عمل مربوط بوده و بازرسی به محاسبه و بررسی پس از عمل اطلاق می‌گردد که عمده‌ی آن در نظام هستی، مربوط به برپایی قیامت و روز حساب است.

در نظارت، سخن از بایدها و نبایدها است ولی در بازرسی سخن از بازخواست و مؤاخذه است. در نظارت به عدالت و درستی و صلاح، امر شده و از فساد و تباهی و عصیان نهی می‌شود، اما در بازرسی فردا مین و درستکار تکریم شده و وی را تشویق می‌نمایند و در مقابل مفسد و فتنه‌گر را مؤاخذه کرده و گفته می‌شود چرا به فساد تن

دادی و به عدالت و درستی و عدل و انصاف عمل نکرده ای؟! اگر عنصر نظارت در جامعه ای نهادینه شود، چندان ضرورتی به بازرسی های پیچیده و زمان بر، وجود نداشته و یا اینکه کمتر مواردی از بازرسی ها منجر به کشف تخلف یا اعلام جرم می گردد. قطعاً جامعه ای اینچنینی مقرون به سلامت و سعادت خواهد بود. از آنجائی که نظارت و اثرات آن، موجب بازدارندگی از فساد می باشد، هم به لحاظ رتبی و هم به لحاظ زمانی بر بازرسی مقدم خواهد بود. البته در محاورات عمومی چندان فرقی میان نظارت و بازرسی قائل نمی شوند و معمولاً از این دو واژه، اراده ای معنای مترادف را می نمایند. بر این اساس ما نیز در این رساله، ضمن التفات به این وجه تمایز، به همان روش محاوره ای عمل می نمائیم.

اقسام نظارت و بازرسی:

با مراجعه به آیات شریفه ی قرآن کریم و نیز احادیث و روایات معصومین علیهم السلام مقوله ی نظارت و بازرسی را به سه صورت می توان یافت.

الف) نظارت قدسی (در این عبارت ها نظارت به معنای نظارت و بازرسی می باشد).

ب) نظارت خود کنترلی

ج) نظارت غیری (همگانی و حکومتی)

نظارت قدسی:

این نوع از نظارت، مربوط به نظارت ربوبی حضرت حق جل شانهِ و

نسبت به کل کائنات و هستی است، که انسان بخشی از آن می باشد. در نظارت قدسی، انسان همواره خویش را در ه، محضر خداوند عالم می بیند بر این اساس شرم می کند از اینکه معصیت و نافرمانی خداوند عالم را بنماید. اعتقاد و التزام عملی به نظارت قدسی، تعظیم و تکریم خداوند عالم و شکر گزاری نعمت های الهی است، و این نوع از نظارت، والاترین نظارت ها می باشد. آیات فراوانی که در قرآن کریم بر نظارت و شهادت خداوند عالم و شهداء و صدیقین و پیامبران و فرشتگان حق و سایر عوالم ملکوتی، به حسابرسی روز قیامت دلالت دارند، ناظر به این بخش از نظارتهاست.

نظارت و بازرسی خود کنترلی:

در مکتب قران کریم وسیله ی معصومین علیهم السلام از نظارت و بازرسی خودکنترلی، به عنوان نظارت نفسی تعبیر می شود. در نظارت نفسی، انسان همواره به مراقبه و محاسبه ی اعمال خویش پرداخته تا به دنبال آن، رفتارهای ناپسند را از خویش برطرف نموده و نفس خویش را جهت انجام کارهای پسندیده و نیکو، ترغیب نماید. بنا بر این، پر واضح است که، نظارت نفسی، نشأت گرفته از نظارت قدسی بوده و یقیناً با پشتیبانی مکتبی شکل می گیرد. به همین دلیل، از جمله مباحث بنیادین در اخلاق و عرفان، مراقبه و محاسبه می باشد، که در روند آن، آدمی بر افعال خویش نظارت نموده و پس از عمل نیز از نفس خویش بازخواست می نماید.

نظارت و بازرسی غیري:

نظارتی است از بیرون، و از ناحیه ی کسانی که خصوصاً شاهد و ناظر و گواهِ بر وقوع فساد دیگران، اعم از ترک واجب یا ارتکاب فعل حرام، باشند. در نگاهي نظارت و بازرسی غیري را می توان به دو شکل تصور نمود:

الف) نظارت و بازرسی عمومی(همگانی)

ب) نظارت و بازرسی حکومتی

الف: نظارت و بازرسی عمومی، همان نظارت همگانی بوده و تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد. این نوع از نظارت ها، یک تکلیف الهی بوده و چه در عصر تشکیل حکومت اسلامی، و چه در صورت فقدان حکومت اسلامی، دارای اهمیت ویژه ای خواهد بود، چرا که قوام دین به آن، یعنی احیاء عنصر امر به معروف و نهی از منکر وابسته است.

ب: نظارت و بازرسی حکومتی، نظارتی است که در سایه ی حکومت اسلامی متبلور می شود و در حال حاضر از طریق دستگاه های مختلف و به شکل های گوناگون در نظام جمهوری اسلامی ایران تحقق می یابد. سازمان بازرسی کل کشور از جمله مهمترین دستگاه نظارتی، می باشد که در اصل یکصد و هفتاد و چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تصریح، شده است.

ناگفته نماند، هرگز با وجود نظارت حکومتی، نظارت همگانی و عنصر امر به معروف و نهی از منکر تعطیل نخواهد شد، چرا که هریک از این دو نظارت (عمومی و حکومتی)، به لحاظ اهمیتی که دارند، در جایگاه خویش و گاه در ارتباط با هم، در اصلاح امور جامعه، نقش

ایفا می نمایند.

نقش اخلاق بازرسی در توسعه معنوی دستگا‌های نظارتی:

درنگا‌هی می توان رعایت اخلاق را به دو قسم تقسیم نمود. اخلاق فردی و اخلاق حکومتی. همچنین با توجه به جایگاه اجتماعی افراد، انسانها به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) افراد حقیقی

ب) افراد حقوقی

بر این اساس اخلاق آدمیان نیز دو گونه می باشد: ۱- اخلاق فردی به لحاظ جایگاه حقیقی افراد ۲- اخلاق حکومتی به لحاظ جایگاه حقوقی افراد.

پر واضح است که هر فرد حقوقی دارای شخصیت حقیقی نیز بوده، بر این اساس اخلاق حقوقی در واقع مکمل اخلاق فردی انسان‌هایی است که، در حکومت اسلامی از جایگاه و شأن حقوقی برخوردار هستند.

اثرات و تبعات وجود فضایل و یا رذایل اخلاقی، در اخلاق فردی به هنگام مواجهه‌ی یک فرد به لحاظ جایگاه حقیقی‌اش در ارتباط با افرادی از خانواده و یا جامعه بروز می نماید، در حالی که وجود همان فضایل و یا رذایل اخلاقی در شکلی گسترده تر و بلکه به گونه‌ای ممتاز و مضاعف، در فردی که از شخصیت حقوقی و جایگاه حکومتی برخوردار است، جلوه نموده و آثار مثبت و سازنده و یا مخرب و ویرانگر خود را به صورت مضاعف و ای بسا غیر قابل جبران، بر جای خواهد گذاشت، بر این اساس دامنه‌ی برکات و ثمرات فضائل اخلاقی در عرصه‌ی حکومتی و اداری (مدیریتی) بسی عمیق تر و گسترده تر بوده همانگونه که تبعات و

اثرات سوء و ناهنجار وجود رذائل اخلاقی در میدان مدیریتی و کارگزاری شدیدتر و در مواردی خسارت های ناشی از آن جبران ناپذیر خواهد بود. در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آمده است که آن حضرت فرمودند: «العدل حسن ولكن في الامراء أحسن»^۷

«عدل نیک است ولی از زمامداران نیکوتر است.»
عدالتی که در وصف آن مولای متقیان امام علی بی ابیطالب علیه السلام فرمودند: «العدل سائس عام»
«عدل حافظ عموم است.»^۸

تذکر این نکته لازم است که، ما در این بخش به دنبال بیان اولیویتی در خصوص اخلاق حرفه ای بازرسی و میزان تأثیر گذاری آن در توسعه معنوی دستگاه های نظارتی هستیم بنابراین برای رسیدن به کنه موضوع که از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، لازم دانستیم، حول محور اخلاق حکومتی یا اخلاق کارگزاران، تا ملی نموده باشیم.

دایره ی گستردگی رحمت نشأت گرفته از عدالت محوری یک کارگزار عادل بسیاری را در بر گرفته، آنچنان که شمولیت ظلم و ستمی که فرد ظالم آنگاه که، در مقام و جایگاه شخصیت حقوقی است، انبوهی از افراد را در پیکره ی اجتماع دربر می گیرد.

علاوه رفتار سوء یک کارگزار در حکومت اسلامی به حساب حکومت گذاشته می شود، آنچنان که رفتار شایسته ی کارگزاری، در حکومت اسلامی به نام آن حکومت ثبت می گردد. بر این اساس، اهمیت ایجاد بدبینی و یا بروز

پدیده ی خوش بینی نسبت به نظامی که خون بهای هزاران شهید والامقام می باشد، بر کسی پوشیده نیست.

به همین سبب بوده است که، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بر اهمیت موضوع فوق‌الذکر تأکید داشته و در تعمیم موضوع، آحاد امت را نیز مسئول شناخته و مجموعه‌ی نظام اسلامی و امت این نظام را به انجام وظایف و تکالیف الهی دعوت، تحریص و ترغیب، می نمودند.

علاوه بر آن درنگاه ژرف امام خمینی (ره)؛ همواره کارگزاران و مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی، چه در میان دوستان و چه از ناحیه دشمنان، مورد نظارت و تیزبینی تا مل بر انگیزی هستند.

پرواضح است که دوستان بادیدن معایب ناراحت و دشمنان با دیدن آن خوشحال خواهند بود، دوست به حساب می کشد؛ دشمن به حساب می گذارد. دوست باز خواست می کند و می گوید چرا؟ دشمن باز پرداخت می کند و می گوید چه بهتر! دوست درصدد اصلاح برمی آید؛ دشمن یک به هزارش کرده و سپس به رخ می کشاند.

با درک عمیق این واقعیت‌ها و دغدغه‌های ناشی از آن، امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۸/۴/۱۹ در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرا سر کشور، فرمودند:

«... ما تحت مراقبت هستیم. همانطور که شما پاسداران عزیز و همه پاسداران این ملت مراقبت می کنند از کشور و دنبال این هستند که دست‌هایی که می خواهند با توطئه‌های شیطانی این نهضت را خاموش کنند یا سست کنند؛ شما مراقبت دارید از اینکه جلوگیری نکنید؛ چشم‌هایی هم هست که از شما مراقبت می کند، چه چشم‌های دشمنان و چه چشم‌های دوستان و چه مراقبت‌های ملائکه‌الله؛ و چه مراقبت‌های تبارک و تعالی، همه تحت مراقبت هستید. همان طور

که شما مراقبت می کنید از خلافکارها؛ تحت مراقبت هستید که مبادا خلافکاری نکنید. امروز غیر از دیروز است. دیروز؛ که کشور ما طاغوتی بود؛ اگر افراد، خلافتی می کردند، در دولت طاغوت بود؛ جرم سبکتر بود و افراد عادی اگر خلاف بکنند، خلاف است لکن جرم سبکتر است. امروز از دو جهت خلاف ها

سنگین تر است و خطاها بزرگتر. از یک جهت؛ که مملکت جمهوری اسلامی است و چشم عالم دوخته شده است به این جمهوری اسلامی، دشمنها دارند مراقبت می کنند؛ دارند توجه می کنند؛ ما را تحت مراقبت قرار داده اند؛ که ببینند آن جمهوری اسلامی چیست؛ واقعیت این جمهوری اسلامی چیست. واقعیت هر رژیمی و هر حکومتی از اجزای آن رژیم و اجزای آن حکومت و اعمال آنها واقعیت پیدا می شود و معلوم می شود. اگر، چنانچه، امروز که ما جمهوری اسلامی ادعا می کنیم که هست و رژیم فاسد بحمد الله رفت و حالا به حسب رأی که همه دادید به جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی مستقر شد؛ اگر امروز از مردم عادی خطایی صادر بشود؛ زیادتیر از دیروز است؛ دیروز در حکومت طاغوت بود؛ امروز در حکومت رسول الله است. در حکومت پیغمبر اکرم اگر، چنانچه کسی خلاف بکند؛ فرق دارد تا اینکه در حکومت طاغوت خلاف بکند. از این جهت؛ همه ملت تحت مراقبت هستند.

هم چشم های دشمنها دوخته شده است به این ملت و این جمهوری اسلامی و هم چشم های دوستان؛ و هم مراقبت ملائکه الله؛ و از همه بالاتر؛ توجه به خدا.

چشم های دشمنها دوخته شده است که از شماها؛ از ماها؛ از اجزای این ملت از افراد این ملت؛ که اینها رأی دادند به اینکه؛ حکومت

اسلامی؛ مناقشه کنند؛ خرد ه گیری کنند؛ خرده گیری، نه خرده گیری شخصی به افراد که بگویند فلان اینطور بود مناقشه به اینکه جمهوری اسلامی این است... .. اینها همه چشم هایشان را دوخته اند که از ما یک خطایی ببینند، یکی را هزار تایش کنند در نوشته هایشان در مجله هایشان در روزنامه هایشان در خارج، داخل یک مطلب جزئی را بزرگش کنند... شخص اگر کاری کرد به مکتب مربوط نیست لکن آن ها دنبال این اند که گناه شخص را پای مکتب بگذارند بنابراین، از من تا آقا، تا همه اقشار ملت، الان پاسداری از اسلام به این معناست که همچو پاسداری بکنیم که بهانه دست این اشخاصی که بهانه گیر هستند و جرم مرا و جرم شما را پای مکتب حساب می کنند یک همچو بهانه ای دست این ها ند هیم. از خونمان پاسداری کنیم. بدا نیم که ما تحت مراقبت دشمن هستیم، تحت مراقبت دوست هستیم، تحت مراقبت اولیای خدا هستیم، تحت مراقبت خدا هم هستیم. عالم محضر خداست، الان ما در محضر خدا هستیم خدا همه جا هست، حضور دارد. اگر خلافتی بکنیم، در حضور خدا خلافت کردیم در محضر خدا خلافت کردیم. «^۹

و در ادامه خطر ایراد لطمه به اساس و حیثیت مکتب اسلام و نظام جمهوری اسلامی را، در اثر سوء استفا ده دشمن از عملکرد منفی کارگزاران و دست اندر کاران حکومت اسلامی گوشزد نموده و می فرمایند:

«... اینهایی که دشمن اند پای اسلام حساب می کنند، دوست ها نه، دشمن ها پای اسلام حساب می کنند و مکتب ما را می کوبند و این یک مسئولیت بزرگی است برای همه، این طور نیست که من خیال کنم یا شما خیال کنید که خوب، من معصیت کارم و بینی و بین الله مثلا

چه، نه مسأله این نیست مسأله مکتب است مسأله اسلام است الان ما در یک وقتی واقع شدیم که حیثیت اسلام دست ماهاست. ... دشمن ها ی ما می آیند ثبتش می کنند به اسم اسلام، و در خارج و داخل؛ در خارج با صراحت در داخل با اشاره؛ منعکس می کنند که جمهوری اسلامی همین است... اینها دنبال این اند که درست کنند و ما باید مراقبت کنیم از آن مراقبتی که شما از دزد ها می کنید و از خیانتکارها می کنید؛ این مراقبت بالاتر است، این مراقبت، مراقبتی است که اساس اسلام در خطر است؛ مکتب در خطر است...

... سید الشهدا مکتبش محفوظ بود؛ و خودش شهید شد. شهادت گا هی مکتب را پیش می برد، و شاید اکثراً اینطور باشد. خدا نکند که یک وقت شهادت مکتب پیش بیاید؛ اسلام را لکه دار کنند؛ جمهوری اسلامی را بگویند این رژیم هم مثل همان رژیم. و ما باید مراقب باشیم، این مراقبت دشمن ها...»^{۱۰}

و در ادامه بر نظارت قدسی اشاره داشته و می فرمایند:

« و مراقبت اولیای خدا و دوستان شما اولیای خدا؛ که آنها هم انشاءالله دوستان شما هستند؛ شما هم دوستان آنها هستید، و مراقبت ذات مقدس حق تعالی از همه مان، همه تحت مراقبت هستیم. پاسدارهای معنوی ملائکه الله؛ به همه ما اشراف دارند که ما چه می کنیم... .. حالا ببینید که تحت مراقبت هستید، نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفته ای دو دفعه؛ به حسب روایت، من می ترسم که مایی که ادعای این داریم که تبع این بزرگوار هستیم؛ شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال ما را ببیند و می بیند؛ تحت مراقبت خداست نعوذبالله شرمنده بشود. شما اگر یک فرزندان خلاف

بکند؛ شما شرمنده اید... من خوف این را دارم که کاری بکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده بشود، اینها شیعه های تو هستند دارند این کار را می کنند! نکنید، یک وقت بکند؛ یک وقت خدای نخواستہ یک کاری از ما صادر بشود که وقتی نوشته برود؛ نوشته هایی که ملائکه الله مراقب ما هستند؛ رقیب هستند هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می شود. ذره هایی که بر قلب های شما می گذرد رقیب دارد. چشم ما رقیب دارد، گوش ما رقیب دارد، زبان ما رقیب دارد، قلب ما رقیب دارد، کسانی که مراقبت می کنند اینها را نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان ما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه بشود مراقبت کنید از خودتان...»^{۱۱}

(اشاره به آیه ۱۸ سوره ق: «ما یلفظ من قول الا لیدیه رقیب عتید» «سخنی بر زبان نیآورد جز آن که همان دم فرشته ای مراقب و آماده است.»)

شایان ذکر است که اخلاق عملی، در مکتب اسلام، مجموعه ای از باید ها و نباید های رفتاری ای هستند که به منش انسانها جهت داده ، در نتیجه فرد متخلق به اخلاق اسلامی را به کمال می رساند. بنابر این آداب و سنن اخلاقی ما نند احکام فقهی، تکالیفی هستند که فرد مکلف باید به ملزومات آن تن دهد و با انجام رفتارهای های پسندیده و نیکو و ترک زشتی ها و زدودن پلیدیها، خویش را مزین به اوصاف حمیده ی سبحانی نموده، تا با مداومت با آن صفات الهی، موصوف به مصدق آن صفات، گشته. و نیز با دفع و رفع رذایل اخلاقی، به طهارت و پاکی درونی و با طنی رسیده و سراسر وجود خود را از پستی ها و

پلیدی‌ها پاک گرداند. پر واضح است که، چنین کسی انسان وارسته‌ای خواهد بود که، به یقین، از گزند حوادث روزگاران، در امان بوده و از آسیب‌های زمان بر حذر خواهد بود، و در چنین حالتی طعم شیرین و شهد گوارای وارستگی‌ها را در کام خود می‌چشد.

همان‌گونه که از کلمات گوهر بار بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، مشهود بود، بسیاری از باید‌ها و نبایدهای رفتاری و اخلاقی، در نظام دینی و به‌هنگام برخورد‌های اجرایی و حقوقی که امور بازرسی بخشی از آن هست، جلوه و نمودی مضاعف داشته و در اینصورت، لازم است فرد مورد نظر با شدت وحدت بیشتری به ملزومات آن‌گردن‌نهد، چراکه رعایت نکردن مسائل اخلاقی در امور اجتماعی و حقوقی تبعات و مضرات بیشتری را به دنبال خواهد داشت و البته در مواردی نیز خسارت‌های ناشی از آن جبران‌ناپذیر خواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد، رعایت اخلاق اسلامی در امر بازرسی، از جمله مصادیق بارز و متقن اخلاق اجتماعی و حقوقی در حکومت اسلامی است.

گرچه در متون دینی، به‌واژه‌ی اخلاق بازرسی و بازرسی بسیار ندرک پرداخته شد و در نگاه اولی مطالب بسیار کمی در این خصوص، مشاهده می‌شود، لیکن با اندکی تأمل و تدبیر در آن، به این واقعیت دست می‌یابیم که بسیاری از مسائل بازگو شده‌ی اخلاقی در مکتب اسلام خصوصاً در لسان‌اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، برای بازرسی مورد ابتلاء بوده و با عنایت به جایگاه بازرسی و بازرسی و تأثیرات رفتاری یک بازرسی در محیط بازرسی ضرورت رعایت آن نکات از اولویت خاصی برخوردار است. اولویتی که بیان شده به دو دلیل می‌باشد:

الف: وجود یک صفت سوء اخلاقی و یا فقدان یک فضیلت رفتاری لازم، در یک فرد آنگاه که در جایگاه رفتار فردی قرار دارد، البته که، بد هست، اما اگر همین فرد در مدار و چرخه ی یک مجموعه ای قرار بگیرد که آن مجموعه در سطح گسترده ای از کشور تأثیر گذار هست، این بد بودن برای این فرد مضاعف خواهد بود، خصوصاً اینکه آن مجموعه دستگا هی مثل سازمان بازرسی کل کشور باشد، زیرا که، در منظر سایر کارگزاران از دستگاه های اجرایی، انتظار هست که ، سازمان بازرسی کل کشور و کارشناسان آن به ویژه بازرسان محترم، باید اسوه ی اخلاق اسلامی باشند. و البته که، حسب آنچه که بیانش گذشت، این انتظار نیز به حق خواهد بود.

ب: پر واضح است که ، بازرس در مقام و جایگاه آمر به معروف و ناهی از منکر بوده که لازمه ی آن در درجه ی اول عمل نمودن به هر آنچه یی است که مورد در خواست او بوده و وی دنبال تحقق آن در دیگران به عنوان کار گزار جمهوری اسلامی است تا مورد خطاب و توبیخ این آیه از قرآن کریم قرار نگرفته باشد که: « لم تقولون ما لا تفعلون»^{۱۲} « چرا می گوئید آنچه را عمل نمی کنید»

بازرس باید بر این باور باشد که همان گونه که وی با امکانات محدود مادی و یا معنوی و تحت شرایطی خاص بر اعمال دیگران نظارت می نماید، در همان زمان، از سوی خداوند متعال به صورتی گسترده و فراگیر و البته مطلق، تحت مراقبت و نظارت هست. نظارتی که هرگز با نظارت های بشری قابل قیاس نبوده و نیست، و در آن هیچ چیز ولو به وزن ذره ای که به دید نمی آید، خواه در آسمان باشد و خواه در زمین بر او پوشیده نیست و هر کسی و در هر مقامی که باشد باید نسبت به عواقب

آنچه که انجام می دهد، پاسخ گو باشد.

در قرآن کریم آمده است: «یا بنی انہا ان تک مِثقالَ حَبۡہِ مِن خَرَدَلٍ فَتَکُنْ فِی صَخْرَہِ اَوْ فِی السَّمَاوَاتِ اَوْ فِی الْاَرْضِ یَاتِ بِہَا اللّٰہُ اِنْ اللّٰہُ لَطِیْفٌ خَبِیْرٌ»^{۱۳}

«ای فرزندانم: خدا اعمال بد و خوب خلق را اگر چه به مقدار خرد لی در میان سنگی و یا در آسمان ها و زمین پنهان شده باشد همه را (در محاسبه) می آورد که خدا توانا و آگاه است.»

و نیز آمده است: «و لا تعملون من عمل الا کنا علیہم شہودا اذ تفیضون فیہ و ما یعزب عن ربک من مِثقالِ ذرہ فی الارض و لا فی السماء و لا اصغر من ذلک و لا اکبر الا فی کتاب مبین»^{۱۴}

«... و به هیچ عملی، تو و امت نشوید جز آنکه ما همان لحظه شمارا مشا هده می کنیم و هیچ چیز به وزن

ذره ای در همه زمین و آسمان از خدای تو پنهان نیست و کوچکتر از ذره و بزرگتر از آن هر چه هست همه در کتاب مبین حق مسطور است.»

گرچه قبول و انجام رسالت بازرسی با رعایت اصول اخلاقی کاری بس دشوار و سنگین هست، اما به یقین بر این باوریم که هرگاه بازرسی در نظام دینی جمهوری اسلامی ایران بتواند به رسالت دینی اش عمل کند و به لوازمات یک بازرس مطلوب در مکتب اسلام پایبند بوده و به آن التزام عملی داشته باشد، به مراتب اجر و پاداشت او نزد خداوند متعال افزون خواهد بود، زیرا که به دست او امور اداری کشور در مجرای واقعی حق و حقیقت و سلامت، قرار می گیرد و به وسیله ی او قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خون بهای هزاران شهید و الامقام

هست و سایر قوانین و مقررات مربوطه به اجرا درمی آید، کما اینکه به وسیله ی امر به معروف و نهی از منکر احکام عملی اسلام به منصفه ی ظهور رسیده و به اجرا در می آید.

از امام باقر علیه السلام نقل است که، آن حضرت فرمودند: « ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهج الصالحاء فریضه عظیمه، بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ینصف من اعداء و ینصتقیم الامر»^{۱۵}

« براستی که امر به معروف نهی از منکر روش پیامبران و شیوه ی صالحان است. فریضه ی بزرگی است که به واسطه آن واجبات دیگر اقامه می شود و به وسیله ی آن راه ها امن می شود و به وسیله آن کسب ها حلال می گردد، ستم ها برطرف می گردد و زمین آباد می گردد و به وسیله ی آن دشمنان مجبور به انصاف شده و امور در جای خود قرار می گیرند. »

آسیب شناسی اخلاق بازرسی:

قبل از ورود به مبحث آسیب شناسی در امر اخلاق بازرسی، ذکر این نکته لازم است که: اسلام آئین یک جانبه نگر و تک بعدی نیست بلکه آئینی است که به همه خواسته ها و نیازهای بشر نگریسته است. به همه جوانب حقوق فردی و اجتماعی؛ مادی و معنوی آن پرداخته است و از هرگونه افراط و تفریط بر حذر بوده و همواره امور آن بر بنیان عدالت و محور تعادل، استوار است. بر همین اساس امر نظارت و بازرسی در حکومت اسلامی، باید آمیخته ای از اصول و قوانین مرتبط اجرایی با نکته ها و ظرایف اخلاقی برگرفته از متون معتبر دینی و قرآن کریم بوده با

شد، و ما به وضوح این در هم آمیختگی افتخار آمیز و پیوند تفکیک نا پذیر اخلاق و سیاست را در جای جای معارف دینیمان می یابیم. البته، یک بازرسی در انجام مسئولیت بازرسی ناگزیر است از تاکتیک ها و ابزارهای معنوی مثل تجسس بهره بگیرد، و پر واضح است که معمولاً تجسس با سوءظن آغاز می شود؛ در حالیکه می دانیم انبوهی از آیات کریمه و روایات شریفه بر حرمت تجسس و سوءظن دلالت دارند بر این اساس در نگاه اولیه امر بر بازرسی مشتبه می شود و این پرسش برایش پیش می آید که چه باید بکنم؟ آیا مجازم به تجسس بپردازم؟ آیا می توانم سوءظن داشته باشم؟ آیا...؟

می بینیم که در نگاه اخلاقی صرف؛ امر بازرسی تعطیل می شود، و در نگاه فنی صرف؛ ای بسا که اصول اخلاقی پایمال گردد و این خطری است که باید با ظرافت به آن توجه شده و با روشی نیکو و پسندیده از بروز مخاطرات مربوط به آن جلوگیری شود.

نکته ی اساسی اینجاست که: گرچه با نگاه عمیق تر و تأملی بیشتر، این آمیختگی اجرائی و اخلاقی را در روح قوانین مقرر در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، می توان یافت، لیکن از آنجائیکه ای بسا همه ی نکات و موارد مورد ابتلاء یک بازرسی در قوانین رو به تکامل ما؛ تاکنون احصاء نشده باشد؛ شایسته است بازرسی محترم با بهره گیری از منابع اصیل مکتبی؛ و با ژرف نگری در سنت نبوی و سیره علوی؛ متخلق به اخلاق دینی و موصوف به اوصاف مورد انتظار یک کارگزار اسلامی شده تا هم به درستی به امر نظارت و بازرسی پرداخته باشد، و هم به نحو احسن، نکته ها و ظرائف اخلاقی را رعایت نموده باشد.

تضییع حق مؤمن

از جمله مسائلی که در امر بازرسی برای یک بازرس مخاطر آفرین هست، احتمال تضییع حق مؤمن خواهد بود؛ زیرا همانگونه که گذشت؛ بازرس در انجام وظیفه خطیر بازرسی از اهرمها و ابزارها ئی استفاده می کند، که در هر آنی احتمال بروز ظلم و ستم از ناحیه او به فرد بازرسی شونده وجود داشته و ای بسا که ممکن است، به آسانی از مصادیق ظالمین و ستمکاران قرار گیرد، و البته این خطر آنگاه که از قبیل قدرت و حاکمیت باشد، به صورت قهری احتمال بروز و ثبوت و دامنه فراگیری آن بسی مضاعف خواهد بود.

مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام در بیان شدت بیزاری از بروز اینچنین نافرمانی از خداوند عالم می فرمایند: «و الله لان ابیت علی حسک السعدان مسهدا؛ و أجر فی الاعلال مصفدا احب الی من ان القی الله و رسوله یوم القیمه ظالماً لبعض العباد؛ و غاصبا لشیء من الحطام؛ و کیف ا ظلم احدا لنفس یسرع الی البلی قفولها؛ و یطول فی الثری حلولها؟! و الله لو اعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی نمله اسلبها جلب شعیره ما فعلته. . .»^{۱۶}

«سوگند به خدا اگر شب را بیدار بر روی خار سعدان (گیاهی است

دارای خار سرتیز) به سر ببرم و یا به غل و زنجیر

به این سو و آن سو کشیده شوم، محبوب تر است نزد من، از اینکه خدا و رسول را روز قیامت ملاقات کنم در حالیکه بر بعضی از بندگان ستم کرده چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم! و چگونه به کسی ستم نمایم برای نفسی که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می رود و در خاک، زمانی طولانی اقامت می کند؟!»

..... سوگند به خدا اگر هفت اقلیم را با هرچه در زیر آسمان هاست
به من دهند تا خدا را دربارهٔ مورچه ای که پوست جوی از آن برابیم؛
نافرمانی نمایم؛ چنین نخواهم کرد...»
و نیز در وصیت خود به عبدالله بن عباس؛ هنگامیکه او را بر بصره
جانشین خود گردانید می نویسد:

« سَعِ النَّاسَ بِوَجْهِكَ وَ مَجْلِسِكَ وَ حُكْمِكَ؛ وَايَاكَ وَ الْعَضْبَ فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ
مِنَ الشَّيْطَانِ؛ وَ اعْلَمْ أَنَّ مَا قَرَّبَكَ مِنَ اللَّهِ يُبَاعِدُكَ مِنَ النَّارِ، وَ مَا بَاعَدَكَ
مِنَ اللَّهِ يُقَرِّبُكَ مِنَ النَّارِ»^{۱۷}

« با مردم به هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری
،گشاده رو باش، و از خشم نمودن (با مردم) بپرهیز که آن سبک مغزی
است از شیطان، و بدان هرکاری که ترا به خدا نزدیک گرداند از آتش
روز قیامت دور می نماید. و هرکاری که ترا از خدا دور سازد، به آتش روز
قیامت نزدیک می گرداند.»

و نیز در جای دیگر به عنوان اندرز اخلاقی می فرماید:

« خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَهُ انْ مَّتَّم مَعَهَا بَكُوا؛ وَ اِنْ عِشْتُمْ حَنُوا اِلَيْكُمْ.»^{۱۸}

« با مردم چنان آمیزش و رفتار نمائید که اگر در آن حال مردید بر
شما (به دلیل مفارقت و جدائی) بگریند، و اگر زنده ماندید خواهان
معاشرت با شما باشند.»

لزوم رعایت حق مومن

و اما، ابتدا در این قسمت به صورت اجمالی، به اصل ضروری لزوم
رعایت حقوق و شأن مؤمن اشاره ای داشته و سپس در جهت پرهیز از
هرگونه عوامل ایراد خدشه به این اصل حیاتی در امر بازرسی؛ به مواردی
از آسیب شناسی در این امر و راهکار برون رفت از این مخاطره ها؛

می پردازیم.

در قرآن کریم به دلیل تکریم مومنین؛ جایگاه ویژه ای برای آنها، در نظر گرفته شده و بر این اساس عزت و سربلندی مؤمنین در کنار عزت و سربلندی خداوند عالم و رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفته است.

«.. والله العزَّة و لرسوله و للمؤمنين...»^{۱۹}

«... عزت و سربلندی تنها از آن خداوند عالم و رسول او و مؤمنین است...»

و نیز در قرآن کریم آمده است: «... وَاَحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمُؤْمِنِينَ...»^{۲۰}
«... و اهل ایمان را زیر پر و بال خود گیر...»

و نیز در حدیثی از زبان مقدس مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است که خداوند متعال چهار چیز را در چهار چیز پنهان نموده است، که در فراز چهارم آن آمده است:

«... و دوست خود را در میان بندگان پنهان نموده؛ پس هیچ بندهٔ خدائی را کوچک مشمار؛ چون ای بسا همان دوست و ولی خدا باشد و تو ندانی.»^{۲۱}

و نیز سکونی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

« هرکسی آبروی مؤمنی را حفظ کند مسلماً بهشت بر او واجب می شود.»^{۲۲}

و نیز اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:
« ای اسحاق تا توانی به دوستانم نیکی کن، زیرا هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر احسان کند و او را یاری نماید؛ چهره ابلیس را خراشیده و

دلش را زخم کرده است.»^{۲۳}

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «بر آوردن حاجت یک مرد مؤمن نزد خداوند از بیست حج که؛ در هر یک از آن ها صد هزار (درهم یا دینار) خرج شود بهتر است.»^{۲۴}

و نیز آن حضرت در کیفر فاصله گرفتن از مؤمن می فرماید:
«هر مؤمنی که میان او و مؤمن دیگر حجاب و پرده باشد (خود را از او پنهان کند)؛ خداوند میان او و بهشت هفتاد هزار دیوار قرار دهد که فاصله هر کدام با دیگری هزار سال راه مسافت باشد.»^{۲۵}

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «بزرگ نمی دارد احترام و عزت مؤمنین را مگر آن کسی که خداوند متعال احترام او را در مقابل مؤمنین حفظ کرده باشد، و کسی که در حفظ احترام پروردگار متعال و رسول گرامی او بیشتر مراقبت می کند؛ در احترام مؤمنین نیز بیشتر سعی و عمل خواهد کرد؛ و چون کسی در حفظ حرمت برادران ایمانی خود سستی و مسامحه ورزد، هر آینه پرده ایمان خود را به خداوند متعال پاره کرده است...»^{۲۶}

حال که در حدودی به لزوم حفظ حرمت و شأن مؤمن پرداخته ایم ، لازم دیدیم ، مشکلات و آسیب های اخلاقی پیش روی در امر بازرسی مربوط به این باب از موضوع را بعضاً مطرح نموده و تا حدودی جوانب آنرا بررسی نماییم.

تجسس و سوء ظن بی مورد

از جمله موارد آسیب شناسی اخلاقی و شرعی در امر بازرسی؛ تجسس بی جا و سوءظن بی مورد در احوالات مؤمنین می باشد، که به شدت، مورد نهی خداوند عالم است.

در قرآن کریم، پس از بیان عواملی که سبب بروز اختلاف و حدوث فتنه در صفوف مسلمین می شود؛ از کثیری از ظن ها و تجسس و غیبت نهی فرموده می آورند: ((یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم

ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا یحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرموه و اتقوا الله ان الله تواب رحیم)) ۲۷ «ای کسانی که ایمان آورده اید؛ از بسیاری از گمان ها (ظن ها) اجتناب کنید، زیرا بعضی از ظن ها گناه است؛ و (از حال درونی همدیگر) تجسس نکنید؛ و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را به جای نیاورید؛ آیا کسی از شما دوست می دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته که کراهت و نفرت دارید، و از خداوند پروا کنید که بسیار توبه پذیر و مهربان است.» ملاحظه می فرمائید: در این آیه، سه عامل سوء اخلاقی؛ (سوء) ظن و تجسس و غیبت در کنار هم ذکر شده اند بر این اساس با اندکی تأمل چنین می یابیم که این سه لازم و ملزوم اند. یعنی می توان گفت در بسیاری از موارد آنگاه که سوء ظن باشد تجسس هم اتفاق می افتد و نیز آنگاه که تجسس در احوالات دیگران باشد سوء ظن هم حادث می شود و یا به آن ترتیب اثر داده می شود و نیز در کثیری از موارد غیبت زائیده سوء ظن و یا تجسس می باشد. مفسرین عالیقدر قرآن کریم از جمله مرحوم علامه طباطبائی (قدس سره) در تفسیر گران سنگ المیزان در خصوص این آیه شریفه؛ نکته هائی را مطرح نمودند که حائز اهمیت و قابل توجه هست.

از جمله آنکه؛ مراد از اجتناب از ظن؛ اجتناب از ترتیب اثر دادن به آن است مثل اینکه درباره برادر مؤمن خود گمان بد برده و آن را به او نسبت

دهد و پیش دیگران باز گوید و دیگر آثار آن را بر آن مترتب کند و اما خود ظن از این نظر که نوعی ادراک نفسانی بوده و بدون اختیار در دل راه پیدا می کند؛ نهی بر آن متعلق نمی شود مگر آنکه پاره ای از مقدمات آن اختیاری بوده و مکلف بتواند مانع از حدوث آن شود.^{۲۸}

امام باقر علیه السلام فرمودند: «مؤمن برادر مؤمن است، نه دشنامش دهد و نه از او دریغ کند؛ و نه به او بد گمان باشد.»^{۲۹}

تجسس و اعمال سوء ظن به مورد، ابزار بازرسی:

با استفاده از آیات کریمه و روایات شریفه چنین می یابیم که بطور مسلم ترتیب اثر دادن به سوءظن و نیز تجسس نمودن در امور پنهانی برادران ایمانی و کشف عیوب آنان حرام است. از طرفی همانگونه که بیان شد؛ یک بازرسی در امر بازرسی در بسیاری از موارد برای کشف واقعیتی به سوءظن خویش ترتیب اثر داده و به تجسس در امور برادران دینی خود می پردازد. و این فن بازرسی هم در عهد رسول الله الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم و هم در زمان حکومت مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام و نیز در عصر حاضر در سیره امام خمینی رضوان الله تعالی علیه که به تحقیق، برگرفته از سیره نبوی و علوی بوده است؛ و نیز در حال حاضر با پشتوانه نظام ولایتی در حال وقوع بوده و هست. با چنین سبقه ای به این نتیجه می رسیم؛ در این دسته از اعمال، در جهت مصداق گناه واقع شدن، که در این صورت جنبه حق الناس نیز دارند؛ وجه تخصیص و یا تخصص و موارد استثنائی در نظر گرفته شده است که ای بسا در هر موردی از تجسس و سوءظن و غیبت و امثال اینها ظابطه مسلمی را به وجود آورده باشد.

بر این اساس می بینیم که شیخ اعظم مرحوم انصاری رضوان الله تعالی علیه در باب مستثنیات غیبت در کتاب مکاسب محرمة می آورد: «... معلوم باشد آنچه از اخبار گذشته و غیر آنها استفاده می شود این است که:

حرمت غیبت صرفاً به منظور انتقاص مؤمن و اذیت شدن او می باشد؛ بنابراین اگر فرض شود که در غیبت نمودن مصلحتی باشد؛ خواه آن مصلحت از آن غیبت کننده؛ یا غیبت شده و یا شخص ثالثی باشد؛ در صورتی که عقل یا شرع دلالت کنند بر اینکه آن مصلحت اعظم است از مصلحت احترام مؤمن و ترک غیبت؛ در چنین موردی لازم است بر طبق هر کدام از دو مصلحت که اقوی هستند حکم نمود؛ کما اینکه در هر معصیتی که حق الله یا حق الناس باشد، حکم همین است...»^{۳۰}

قاعده کلی:

طبق احادیثی که از زبان مقدس معصومین علیهم السلام به ما رسیده است. از جمله عبارت نهج البلاغه، به یک قاعده کلی مردم شناسی و جامعه شناسی، جهت مصون ماندن از تعدی به حقوق دیگران، و یا برون رفت از خطرهای احتمالی پیش روی در شناختن افراد و قضاوت در خصوص آنها می رسیم. به عنوان نمونه، در نهج البلاغه از زبان مقدس مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند: «اذا استولى الصلاح على الزمان و اهل ثم اساء رجل ا لظن برجل لم تظهر منه خزيه فقد ظلم و اذا استولى الفساد على الزمان و اهله فأحسن رجل الظن برجل فقد غرر»^{۳۱}

« هر گاه نیکوکاری روزگار و اهلش را فرا گرفت پس (در چنین شرایطی) فردی به دیگری که فسادش آشکار نشد، بد بین شود، به

تحقیق ستم نموده است. و هرگاه فساد به روزگار و اهل آن چیره گشت، در چنین شرایطی فردی به فرد دیگر خوش بین باشد در واقع ضرر کرده است.»

ملاحظه می فرمایید که از عبارت مشعشع مولای متقیان، یک اصل کاربردی استخراج می شود و آن عبارت است از تعمیم قاعده ای کلی، منبعث از شناخت جامعه در هر عصری و دقت در شناختن وضعیت رفتاری اکثریت مردم و چگونگی معیار قرار دادن آن دریافته‌ها، و تعمیم آن، نسبت به شناختن فردی که ابتدا با آن مواجه می شویم، آلا در صورتی که، خلاف آن ثابت شود. البته، گرچه در نگاه اولی تشخیص و تطبیق مصادیق با قواعد به دست آمده، مشکل بنظر می رسد، لیکن با اندکی تأمل نسبت به رفتارهای اجتماعی مردم در مراودات و داد و ستد ها، می توان به تطبیق یکی از دو مصداق امین بودن جو کلی جامعه یا غیر امین بودن آن رسید و آن دریافته‌ها را نسبت به فردی که نمی شناسیم تعمیم دهیم، مگر آنکه خلاف آن، ثابت شود.

از عبارت لم تظهر منه خزیه؛ چنین استفاده می شود که زمانی سوءظن نسبت به شخصی در جامعه متعادل اسلامی گناه محسوب می شود که شخص، گناه علنی و آشکار نداشته باشد و اگر کسی به صورت علنی و آشکار مرتکب گناه و فسق می شود و نتیجتاً متظا هر به فسق می باشد؛ چون به دست خود زمینه ایجاد سوءظن را در دیگران نسبت به خود برانگیخت بر دیگران لازم نیست که نسبت به او پرهیز داشته و پروا نمایند، و بر همین اساس است که مرحوم شیخ انصاری رضوان الله تعالی علیه در کتاب مکاسب در مبحث مستثیات غیبت پس از ذکر قاعده کلی در مورد تقدم اقوی مصلحتین به هنگام تعارض مصلحت رعایت حق

مؤمنین و مصلحت مهمتر و قوی تری چون نصح المستشیر (نصیحت کردن کسی که در امری مشورت می خواهد)، دو مورد از جواز غیبت را بیان می نماید که مصلحت ضعیفتر، در مقابل مصلحت قویتر، لحاظ نمی گردد، و آن عبارت است از:

أحدهما: ما إذا كان المغتاب متجاً هراً بالفسق.

الثانی: تظلم المظلوم واطهار ما فعل به الظالم.

اول: جائیکه شخص مورد غیبت متجا هر به فسق باشد.... ..

دوم: تظلم مظلوم و اظهار ظلمی که ظالم به او نموده است. که البته شا هد مثال ما ، فقره ی اخیر ، یعنی تظلم مظلوم، می باشد، و بر این اساس یک باز رس می تواند با رعایت همه ی جهات لازم، در رفع ظلم و ستم ناشی از وجود فساد در مجموعه ای، به مقدمات کشف سوء جریان در آن مجموعه بپردازد.

همچنین در قرآن کریم آمده است: « وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ »^{۳۲} « و هر کس پس از ظلمی که بر او رفته انتقام طلبد؛ براینان هیچ گناه و مؤاخذه نیست.»
و نیز آمده است: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ»^{۳۳}

« خداوند دوست نمی دارد که کسی به گفتار زشت (به عیب خلق) صدا بلند کند مگر آن که ظلمی به او رسیده باشد.»

مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام در فرازی از عهد نامه مالک اشتر فرمان می دهند که او در امر گزینش کارگزاران به حسن ظن خود اعتماد نکرده و به حسن ظاهر افراد اکتفا ننماید بلکه راههای کشف عیوب پنهانی را در خصوص افرادی که جذب کار حکومتی می شوند

بیماید و پس انجام آزمونهای لازم افراد صلاحیت دار را برگزیند.

در فراز مورد نظر از این نامه آمده است:

«... ثم لایکن اختیارک إیا هم علی فراستک و استنامتک و حسن الظن منک؛ فإن الرجال یتعرفون لفراسات الولاہ بتصنعهم و حسن خدمتهم، و لیس و رأء ذلک من النصیحه و الامانہ شیء؛ و لکن اختبرهم بما ولو للصالحین قبلک؛ فاعمد لاحسنهم کان کان فی العامہ اثرأ؛ و اعرفهم بالامانہ وجهأ...»^{۳۴}

«... و دیگر ایشان را (برای کارها) با تکیه به فراست و دریافت و اطمینان و نیکوگمانی خود نباید برگزینی؛ زیرا مردان (کارگزاران) برای به دست آوردن دل حکمرانان خودشان را آراسته و نیکو خدمت می شناسانند. در حالی که غیر از آنچه خود نشان می دهند و خویش را به آن می آریند چیزی از خیر خواهی و امانت (در ایشان) نیست؛ ولی آنان را به کرداری که برای نیکان پیش از تو انجام داده اند بیازما؛ آنگاه نیکوترین آنان را که بین مردم آشکارتر و درستکارتر و در وجاهت و امانتداری مشهورتر است برگزین...»

در حالی که می بینیم مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام، در صدر همین عهد نامه مرقوم داشتند:

«ولیکن ابعده رعیتک منک و اشنئوهم عندک اطلبهم لمعايب الناس؛ فان فی الناس عیوباً الوالی أحق من سترها؛ فلا تکشفن عما غاب عنک منها؛ فانماعلیک تطهیر ما ظهر لک، والله یحکم علی ما غاب عنک؛ فاسترالعوره ما استطعت؛ یستر الله منک ما تحب ستره من رعیتک.»^{۳۵}

«و باید آن کس که بیشترین عیبجویی را از مردم می کند، نزد تو دورترین و ناپسندیده ترین کس باشد. زیرا مردم البته مردم دارای عیب

هایی هستند که زمامدار باید بیش از هرکس دیگر در پرده پوشی آن عیب ها بکوشد. بنابر این به کشف عیب هایی که بر تو پنهان مانده است، مپرداز زیرا وظیفه تو؛ تنها زدودن عیب هایی است که از آن آگاه شده ای؛ و در مورد آنچه که از تو پنهان مانده است؛ تنها خدا داوری خواهد کرد. پس تا می توانی عیوب مردم را بپوشان تا خدا نیز آنچه را که تو دوست داری از مردم پوشیده بماند، برای تو فرو پوشاند.»

و در ادامه می فرمایند: «و لا تعجلن الی تصدیق ساع، فأن الساعی غاش و أن تشبه بالناصحین.»^{۳۶}

«و در قبول گفته سخن چین شتاب مکن؛ زیرا که او اگر چه به چهره پند دهندگان درآید؛ دسیسه گر و فریبکار است.»

نتیجه: در جمع میان این عبارات ها و روایات؛ نتیجه ای که به دست می آید، چنین باشد که، به طور قطع به عنوان حکم اولی؛ تجسس در عیوب پنهانی و اعمال سوءظن در مورد دیگران حرام می باشد؛ الا اینکه منفعت راجحه ای بر اعمال سوءظن و تجسس در امور فرد یا افراد به خصوصی بار شده باشد؛ به عبارت دیگر در آن مصلحت ملزمه ای باشد که بر مفسده هتک احترام مؤمن غلبه داشته باشد مثل حفظ نفس محترمه؛ پیش گیری از فتنه؛ حفظ کیان اسلام و جلوگیری از سوء جریان اداری و امثال آن.

شایان ذکر است که، گاهی رفع اتهامی و یا دفع سوء تفاهمی از یک مدیر صالح ویا از یک مجموعه ای در نظام اسلامی و دفاع از آن فرد ویا آن مجموعه، منوط به انجام بازرسی بوده که در چنین شرایط، نتیجه ی بازرسی موجب اعاده حیثیت آن فرد و یا افرادی است که مورد سوء ظن واقع شدند. به همین سبب افراد صالح هر گز از انجام

بازرسی در خصوص عملکرد خود ابائی نداشته و بلکه از آن نیز خرسند
خواهند بود.

پر واضح است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی حفظ کیان
اسلام در گرو حفظ حقوق عموم مسلمین و اموال عمومی بوده و سلامت
نظام اداری و نهاد های حکومتی و دولتی تضمین کننده آن خواهد بود و
رعایت این اصول و قواعد دارای مصلحتی است غالب که هیچ چیزی در
تقابل با آن در نخواهد آمد الا راه افراط و تفریط که از مظاهر باطل
محسوب می شوند. بنابراین در امر نظارت و بازرسی که تضمین کننده ی
دستگاههای اجرائی در پیشگیری و ممانعت از فساد های احتمالی است؛
اعمال ابزارهای لازمی چون فعل تجسس و یا اعمال سوءظن در اعمال
کارگزاران با رعایت حدود و حفظ ثغور؛ موجه و بلکه در مواردی، لازم
است. بر این اساس، اگر به مسئول نهادی اتهامی وارد شود و نتیجه
بازرسی بر سلامت آن مسئول دلالت داشته باشد، این امر دفاع از نظام
محسوب گشته، همانگونه که در صورت کشف سوء جریان و اثبات تخلف
و یا جرمی، در جهت سلامت و دفاع از نظام حرکت نموده ایم.

مبرهن است، در مواردی که نتیجه ی انجام بازرسی حکایت از
وقوع تخلف و یا جرمی داشته باشد، بر بازرس فرض است که، رعایت امور
حفاظتی را در حفظ اسرار، نموده و از بازگویی آن در غیرمحل، به صورت
جدی خود داری ورزیده و صرفاً به ارجاع گزارش بازرسی به مبادی ذیربط
بسنده نماید.

میزان الگو بخشی رفتار بازرسان بر کارگزاران:

آنچه که ما در این مقاله به عنوان ضرورت برخورداری از صفات

پسندیده برای یک بازرس اشاره می‌نماییم و نیز به ضرورت دوری از صفات نکوهیده، تاکید داریم، در واقع بر گرفته از مبانی ای هست که بر طبق آن مبانی، یک بازرس در نظام مقدس جمهوری اسلامی، در مقام آمر به معروف و ناهی از منکر بوده، بر این اساس باید پیش از دیگران و بیش از دیگران به هر آنچه که مخاطب را مورد امر و نهی قرار می‌دهد، التزام عملی داشته باشد.

این همان رعایت اخلاق اسلامی در بازرس و بازرسی می‌باشد. یعنی به دلیل مقامی که برای بازرس فرض هست که او در جایگاه اعیان‌کننده اصلی از اصول اساسی مکتب اسلام [آمر به معروف و نهی از منکر] می‌باشد، و در واقع این اصل اساسی حرفه‌ای او نیز تلقی شده است، بر وی فرض هست که ضوابط و لوازمات و شرایط آن تن‌دهد. به عبارتی واضحتر، بازرس در مقام بازرسی مثل یک انسان مؤمن و پاینده به اصول و مبانی ارزشی اسلام که در اثر احساس مسئولیتی که دارد، به هنگام مواجهه با منکر، فرد عاصی را از ارتکاب فعل حرام بازمی‌دارد و یا در مواجهه با فردی که از انجام تکلیف الهی سر باز می‌زند، وی را به انجام آن تکلیف امر می‌نماید، بازرس نیز به طریق اولویت بر همین سیره و روش بوده و با توجه به اینکه داخل در منظومه و مجموعه‌ای است که، به عنوان سازمان بازرسی کل کشور بر مجموعه‌ی دستگاههای اداری کشور و کارگزاران آن نظارت دارد، ضرورتاً خود نیز علاوه بر یک فرد حقیقی، به دلیل جایگاه حقوقی‌ای که دارد، در انجام تکالیف، پیش‌تاز و پیش‌قدم است.

شما تصور کنید، حالتی را که بازرس در محل استقرار هیأت بازرسی در دستگاههای اداری کشور، به هنگام ادای فریضه الهی، نسبت به انجام

این تکلیف الهی بی تفاوت بوده و به عنوان مثال مشغول صرف نهار باشد و برای روزهای متوالی در دید ناظران این امر تکرار شود و یا نسبت به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی و مبانی و ارکان آن بی تفاوت و یا بی توجه باشد، و یا اینکه بازرس در امور مربوط به پذیرائی ها و سایر امکانات و تدارکات، انتظار و توقع هزینه هایی افزون بر متعارف را داشته باشد، بازرسی که می خواهد امور مربوط به اجرای سیاست های اصلاح ا لگوی مصرف و پرهیز از ریخت و پاشها ی اداری ، را نظارت و بازرسی کند! و یا اینکه به دور از شان همکاران ا رجمند، به هنگام ورود و خروج در محل مأموریت، بی نظم بوده و همواره از وقت حضور موظف خود کم کند، و این ضعف ها در ابعاد و اشکال گوناگون از بازرس ، خدای نخواستہ، مشا هده گردد، صرف نظر از اینکه چرا و با چه ساختاری چنین حوادثی اتفاق می افتد، در چنین شرائط به نظر شما چه تأثیری در افکار و روحیۀ کارگزاران محل مأموریت خواهد گذاشت؟ به نظر شما کارگزاران در اینگونه از امور، از بازرسان محترم، چه انتظاری خواهند داشت؟ آیا غیر از این است که این رفتارها و منش ها، نقض غرض در امر بازرسی بوده و اثرات زیانبار و مخربی در دستگاههای اداری بر جای خواهد گذاشت؟

التزام عملی به تکالیف، شرط بازرسی است:

بر اساس آنچه که بیانش گذشت، اگر بازرس به هر آنچه که دنبال تحقق و یا ترک آن هست، التزام عملی داشته باشد، به راحتی می تواند الگوی اخلاقی و سرمشق رفتاری برای دیگران باشد. گرچه برخی از افعال نمی توانند مورد ابتلاء یک بازرس در محل بازرسی باشد مثل رعایت سلسله مراتبی که علی الظا هر چندان در محیط بازرسی مورد

ابتلاء بازرسی نیست، زیرا که بازرسی به هنگام بازرسی تا حدودی، از سازمان بازرسی کل کشور منفک بوده و ارتباط او با سازمان در خارج از محیط دستگاه مورد بازرسی است، اما در بسیاری از موارد، افعال و رفتار بازرسی در واقع همان افعال و کرداری است، که مورد ابتلاء کارگزاران می باشد مثل رعایت وقت و دقت در حضور به موقع در محل مأموریت، پرهیز از اسراف و سوء استفاده از امکانات دولتی و نیز رعایت امور اخلاقی و رفتاری، از قبیل برخورداری از متانت، حلم، بردباری، رأفت، خوشروئی، احترام به شخصیت دیگران و....

بر واضح است، در مواردی که اصول و مبانی اخلاقی و رفتاری مورد ابتلاء بازرسی می باشد، بازرسی باید به گونه ای عمل کند که کارگزاران از او الگو گرفته و رفتارشان سرمشق رفتار دیگران باشد.

بنابراین بر بازرسی فرض است که هم به لحاظ اخلاق فردی و جایگاه حقیقی و هم به لحاظ اخلاق حکومتی و جایگاه حقوقی، متخلق به اخلاق اسلامی بوده، چرا که همانگونه که اشاره شد، او از جمعیتی و به نمایندگی از مجموعه ای برخاسته که آن مجموعه بخشی از پیکره ی حکومت اسلامی را شکل می بخشد، یعنی سازمان بازرسی کل کشور، و به سوی جمعیتی می رود که آنان نیز بخشی از حکومت اسلامی را تشکیل می دهند با این تفاوت که از سازمان بازرسی کل کشور و کارشناسان و مدیرانش انتظار بهتر بودن و بلکه توقع بر حق بهترینها بودن هست؛ خصوصا اینکه، خوبی های یک بازرسی، به نام سازمان بازرسی کل کشور، تمام شده و همچنین، بدی هایش نیز به حساب سازمان گذاشته می شود، بر این اساس ضرورت تحقق و بروز فضائل اخلاقی در بازرسی، دو چندان بوده آنچنانکه خسارت فقدان آن

فضایل، در بازرسی فراتر از حد تصور خواهد بود، به گونه ای که ای بسا یک حرکت دور از شأن و یا خلاف شرع و قانون یک بازرسی، تمامی بازرسان و نیز مجموعه ی سازمان بازرسی کل کشور را بد نام جلوه دهد که البته این گنا هی است بس سنگین.

باری، احادیث و اخبار فراوانی وجود دارند که، حاکی از مذمت افرادی است که دنبال عیوب و فساد و زشتی های دیگران هستند در حالی که همان عیوب و زشتی ها را در خود دارند و لی نسبت به آن احساس مسئولیت نمی کنند.

از مولی الموحدین امام علی بن ابیطالب نقل است که آنحضرت فرمودند: «أکبر العیب أن تعب ما فیک مثله»^{۳۷}

« بزرگترین عیب آن است که چیزی را که در خودداری، بر دیگران عیب بشماری»

(زشت بدانی صفتی را که مانند آن در تو باشد)

و نیز فرمودند: «کفاک أدا با لنفسک اجتناب ما تکرهه من غیرک»^{۳۸}
« در تربیت خویش تو را بس که از آنچه بر دیگران نمی پسندی دوری کنی»

در جای دیگر با مذمتی هرچه تمامتر نیز آمده است که، آنحضرت در بیان نکوهش کسانی که زشتی های خویش را بپسند د ولی آن زشتی ها را در دیگران نپسندد، فرمودند: «.. من نظر عیوب الناس فأنکرها ثم رضیها لنفسه ی فذ لک الأحمق.»^{۳۹} « آن کس که زشتی های مردم را بنگرد، و آن را زشت بشمارد، سپس همان زشتی ها را مرتکب شود، پس او احمق واقعی است.»

و نیز از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) نقل است که آنحضرت

فرمودند: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.»^{۴۰}

«پر حسرت ترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالتی را بستاند و بر خلاف آن عمل کند.»

مهمترین پیام ایندسته از احادیث آنست که: بازرس باید در درجه ی اول بازرس اعمال و کردار خود باشد. و عقل نیز بر ضرورت این امر صحه می گذارد و سخنش این است که اول از خودت شروع کن. بنابراین زیننده ی هر مسلمانی است که روزانه به حساب اعمال خویش برسد تا در مراقبه ای حساب شده بر نیکی های خویش بیفزاید و از بدی ها فاصله بگیرد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل هست که آن حضرت در خطاب به عبد الله بن جندب فرمودند: «یا ابن جندب حق علی کل مسلم یرفنا آن یرعرض عمله فی یوم و لیله علی نفسه فیکون محاسب نفسه، فان رأى حسنه استزاد منها، و ان رأى سیئه استغفر منها، لئلا یخزی یوم القیامه.»^{۴۱}

«ای پسر جندب، بر هر مسلمانی که مارا می شناسد، سزاوار است که در هر شبانه روز اعمالش را در برابر خود، عرضه کند و آن را حسا بررسی کند، و خود حسا بگر خویش باشد، اگر کار نیکی دید، برآن بیفزاید، و اگر کار زشتی دید، از درگاه خداوند متعال طلب آمرزش نماید(و آن را ترک نماید) تا در روز قیامت رسوا نشود.»

و نیز در حدیث مشابه ای در خطاب به هشام فرمودند: «از ما نیست کسی که هر روز به حساب کار خود رسیدگی نکند، تا اگر کار خوبی کرده است بر آن بیفزاید، و اگر کار بدی کرد، از خداوند آمرزش بخواهد و به درگا هش توبه کند.»^{۴۲}

و نیز آن حضرت فرمودند: «أَنْفَعُ الْأَشْيَاءِ لِلْمَرْءِ لِمَا سَبَقَهُ النَّاسُ إِلَى عَيْبِ نَفْسِهِ.»^{۴۳}

«سودمندترین چیز برای مرد این است که پیش از دیگران به عیب خود توجه کند.»

هدف از بازرسی اصلاح امور است:

بازرس باید بر این باور باشد که، در انجام بازرسیها صرفاً با هدف زدودن معایب و رفع کاستی ها، در کشف و رفع عیوب مدیران و دست اندرکاران نظام اسلامی، تلاش می کند و این عمل در واقع، هدیه ای است برای فرد بازرسی شونده.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«محبوبترین دوستان من کسی است که عیوبم را به من هدیه کند.»^{۴۴}

بر این اساس، نگاه هرانسانی خصوصاً آنگاه که به افق حسابرسی و نظارت می اندیشد، باید اصلاح امور باشد.

به یقین، اگر چنین طرز تفکری در جامعه ی اسلامی، به ویژه بر دستگا ههای نظارتی، حاکم گردد و در پی آن نیز فرهنگ مسئولیت پذیری و پاسخگویی نهادینه شود، عموم مردم نیز در پی اصلاح امور کشور خواهند بود و این همان هدفی است که نظام نظارت و بازرسی ذاتاً در پی تحقق آن است.

چه زیبا فرمود، امام موسی بن جعفر علیهما السلام، در خطاب به هشام، آنگاه که وی را مخاطب قرار داد و بیان داشتند:

«ای هشام: اصلاح کن آن روزهایی را که در پیش رو داری، بسین چه روزی است آن روز و خود را برای پاسخگویی آن روز آماده کن، زیرا

تو(در آن روز) بازداشت خواهی بود (تا در خصوص اعمالت مورد) بازخواست واقع شوی، از روزگار و اهلش پند گیر، چراکه روزگار طولانی است ولی برای تو کوتاه می باشد، به گونه ای عمل کن که گویا ثواب عملت را جلوی چشم خود می بینی تا بیشتر در طمع انجام کارهای خوب باشی.»^{۴۵}

می بینیم که غایت فرهنگ نظارت و پاسخگویی، اصلاح امور و ترغیب به انجام اعمال نیکو و دوری از فساد است.

اخلاق بازرسی در احادیث و روایات (ویژگی های اخلاقی بازرسی)

با عنایت به اینکه امور مربوط به سیاست و آیین حکومت داری در اسلام بخشی از احکام عملی مکتب اسلام می باشند، ضرورتاً، احادیث مربوط به امور مدنیت و سیاست، صبغه ی اخلاقی داشته و بیانگر اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی است.

از جمله ی مصادیق بارز در این عرصه، نامه ی پنجاه و سوم نهج البلاغه می باشد که، آن را مولای متقیان، امام علی بن ابیطالب علیه السلام، به مالک اشتر نخعی، آنگاه که وی را به امارت مصر برگزید، مرقوم داشته اند و امروز از آن به عنوان سند منشور حکومتداری، در سطح جهان نام می برند. در این نامه، بسیاری از صفات کارگزاران نیز، قابل احصاء می باشد.

از آنجاییکه بازرسی در نظام اسلامی، کارگزاری است که در مقام و جایگاه امر به معروف و ناهی از منکر قرار دارد، به طریق اولی باید واجد خصوصیات و ویژگی های اخلاقی ای باشد که ضرورتاً یک کارشناس یا

یک مدیر نظام اسلامی باید آن خصوصیات و ویژگی‌ها را داشته باشد. گرچه هم در این نامه و هم در سایر متون حدیثی ما، در خصوص عنوان بازرسی و بازرسی به تفضیل سخت گفته نشد، اما به راحتی می‌توان به دلیل اولویتی که ذکر شد، از آنچه به عنوان ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران نام برده می‌شود، برای یک بازرسی نیز آن موارد را لازم و ضروری دانست علی‌هذا ما در این مقاله نیز با الهام از این اصل، به راحتی، از احادیث مربوطه استفاده و کسب فیض می‌نمائیم.

پر واضح است که این دسته از معیارهای اخلاقی می‌توانند ملاک سنجشی باشند تا به وسیله‌ی آن، بازرسی در نظام اسلامی مسئول و مدیری را که بازرسی می‌کند مورد محک قرار داده و در ارزیابی عملکرد آن مدیر یا مسئول به نتیجه‌ی مطلوب برسد. از مصادیق بارز در خصوص امر یاد شده، این فراز از عبارت مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام است که مرقوم داشتند: «و انما يستدل علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده»^{۴۷}

«و هما نا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که، خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری ساخت»

در ادامه به نتیجه‌ی ای التفات فرمودند مبنی بر اینکه: «فلیکن احب الذخائر الیک ذخیره العمل الصالح»^{۴۸}

«پس باید نیکوترین اندوخته‌ها نزد تو، عمل صالح و درست باشد.» شایان ذکر است که امام در ابتدای این نامه، مالک اشتر را به چهار اصل از اصول بنیادین اخلاقی توجه داده و طبق شرح ذیل مرقوم می‌دارند:^{۴۹}

۱- رعایت تقوای الهی:

« امر بتقوی الله » « به او فرمان می دهد که تقوای الهی پیشه کند »

۲- مقدم داشتن طاعت حق:

« و ایثار طاعته » « و اطاعت از حق را به همه چیز مقدم بدارد »

۳- عمل نمودن به واجبات و سنن الهی:

« و اتباع ما امر به فی کتابه من فرائضه و سننه. .. »

« و آنچه در کتاب خداوند آمده است، از واجبات و سنت ها پیروی

کند. .. »

۴- یاری رسان ندن خداوند متعال با قلب و دست و زبان:

« و أن ینصر الله سبحانه بقلبه ویده و لسانه. .. »

« به او فرمان می دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند. .. »

در ادامه، مالک را به در هم شکستن نفس و هواهای نفسانی و مجا

هدت با آن به هنگام سرکشی و طغیان، امر نموده و می نویسند:

« وَ أَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنْ أَشْهَوَاتٍ، وَيَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَّحَاتِ » ۵۰

« و به او فرمان می دهد تا نفس خود را به هنگام شهوات و خواست

ها فرونشاند. »

سپس تأکید فرمودند به اینکه: « فان النفس اماره بالسوء الا ما رحم

الله » ۵۱

« چرا که همانا نفس همواره به بدی و میدارد جز آنکه خدا رحمت

کند. »

می بینیم که حضرت در ابتدای نامه، مالک را بر چهار اصل

بنیادین ا لتفات داده و بر ضرورت تحقق آن بر کارگزار حکومت اسلامی

تأکید دارند. اصولی که تمامی معیارهای اخلاقی، بر بنیان آنها استوار می

گردند. در عبارت مولای متقیان رعایت تقوای الهی در صدر دستورات

قرار دارد. پس از آن تقدم حق و حقيقت بر همه چيز و انجام واجبات الهی و عمل به سنت الهی و قرآن کریم و نيز ياری رساندن خداوند متعال با دل و زبان و دست. و پس از آن وی را به جهاد با نفس که در واقع، پیروی از آن، سم مهلکی است، برای از بین بردن آن، به رعایت چهار اصل اخلاقی مذکور، دعوت می نمایند.

پر واضح است که، خداوند متعال به ياری احدی نیاز ندارد، این ياری رساندن در واقع ياری رساندن به بشریت، است. نصرت الهی در واقع نصرت مرد می است که، از فساد رنج می برند. نصرت مرد می است که از دستگاره های اداری، اعم از اجرایی و نظارتی، انتظار خدمت رسانی را دارند.

ملاحظه می شود که امام، پس از بیان چهار نکته اساسی، با نگاهی آسیب شناسانه، وجود خطری را گوشزد می فرماید که همواره در کمین افرادی است که، از قدرت حاکمیتی برخوردار هستند و آن خطر عبارتست از طغیان خواسته ها و تبعیت از هواهای نفسانی و زیاده خواهی. آنگاه امر نموده است به رام نمودن نفس سرکش و طغیانگر، و در فرازی دیگر پس از تذکاري چند پیرامون آیین حکومت داری، مجدداً بر مجاهدت با نفس و هواهای نفسانی تأکید داشته و بیان می دارند:

« فَأَمَّا مَلِكُ هَوَاكَ، وَ شَحْخَ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ، فَإِنَّ الشَّحَّ بِالنَّفْسِ
الانصافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ » ۵۲

«پس ای مالک! مالک نفس خود باش و از آنچه حلال نیست خویشتن داری کن، زیرا سخت گیری بر نفس، آن است که، در آنچه دوست دارد، یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی.»

صداقت و وفاداری:

از جمله بارزترین صفات بازرسی، در دیدگاه مولی الموحدین امام علی بن ابیطالب علیه السلام، صداقت و وفاداری است.

امام درانتصاب و تعیین بازرسی می فرماید: «وَأَبْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ..»^{۵۳}

«.. و بازرسانی راستگو و وفادار بر آنان (کارگزاران) بگمار...»

آنچه ما از عبارت مولای متقیان می توانیم استظهار کنیم، عبارت است از اینکه: در واقع بازرسی، باید نسبت به نظام جمهوری اسلامی وفادار بوده و نسبت به مجموعه ای که وی عضوی از آن است خصوصاً نسبت به مافوق صداقت داشته باشد.

اگر بازرسی نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارکان آن صادق و وفادار نباشد به یقین رسالت بازرسی تحقق نیافته و ای بسا به جای امر به معروف و نهی از منکر بر ضد آن عمل نموده، در نتیجه فرایند کار پوششی برای اهل فساد، باشد.

بازرسی همراه با مهر با نی:

شایسته است، بازرسی به هنگام بازرسی و مواجهه ی با افراد، با آنان نگاهی محبت آمیز، توأم با مهر و رأفت داشته باشد، مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام در فرازی دیگر از عهد نامه ی مالک اشتر، آنگاه که مالک را به رعایت حال مردم سفارش می نمودند، مرقوم داشته اند:

« . وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَ الْوَفَاءَ بِهِمْ»^{۵۴}

«دلت را از مهربانی با مردم لبریز کن، و با آنان دوست و مهربان باش»

گرچه توصیه‌ی مولای متقیان در این فراز از نامه، در خصوص رعایت حال رعیت (مردم)، نه کار گزاران، می باشد، لیکن با اندکی تأمل، تناسب موضوع مربوط با مبحث ما به وضوح آشکار می شود و به راحتی می یابیم که یک بازرس نیز به هنگام مواجهه‌ی با کارگزاران باید همین اصل اخلاقی رعایت مخاطبین را مراعات نموده و ضمن انجام وظیفه‌ی بازرسی، در رفتار با افراد، رعایت حال آنان را بنماید. و چه زیباست که امام علیه السلام در ادامه‌ی مطلبی که بیان شد، فرمودند: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»^{۵۵}

« مبدا نسبت با آنان چون حیوان درنده‌ای باشی که خوردن آنان را غنیمت شماری، زیرا مردم دو دسته اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش هستند.»

می بینیم که فراز آخر کلام مولای متقیان، در این بخش برای بازرسان، بسیار حائز اهمیت است به عنوان مثال، بازرس به هنگام بازرسی، از فساد کارگزاری اطلاع می یابد و بر همین اساس شاید مواجهه‌ی با چنین فردی برای این بازرس خوشایند نباشد و ای بسا همین امر هم از غیرت دینی و ملی او نشأت گرفته باشد و به صورت قهری بخواهد جلوه و نمودی داشته باشد، باز می بینیم در چنین حالتی وجه شایسته‌تر این است که ما در رفتار ظاهری خودمان هیچگونه واکنشی نشان ندهیم و در عین حال، اعمال رأفت دینی و عواطف انسانی ما را از انجام وظیفه و رسالتی که به آن مأموریت داریم باز ندارد و ضمن اینکه به وظیفه‌ی بازرس و بازرسی در انعکاس واقعیت‌ها، در گزارش بازرسی عمل می نماییم، به لحاظ رفتاری هرگز از در

خشونت ولو خشونت زبانی، وارد نشده و از خویش در اینخصوص، صیانت می نماییم. راه صیانت از نفس در چنین شرایطی، خصوصاً در جایی که فرد بازرسی به دلیل برخورداری از قدرت حاکمیت و حمایت حکومتی در مواجهه ی با افراد خاطی احساس غرور و خود برتر بینی می کند، به این است که در این حالت خطرناک، به قدرت و حاکمیت مطلق خداوندی بیاندیشد و کاملاً بر نفس خویش مسلط گشته و خویش را از مخاطرات و مهلکات نفاسی ای که لباس حق مداری بر تن دارند نجات بخشد.

چه زیباست که مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام در این خصوص فرمودند: «... و اذا أحدث لك ما أنت فيه من سلطانك أهبه أو مخيله فانظر الى عظم ملك الله فوقك و قدرته منك علی مالا تقدر علیه من نفسك، فإن ذلك يطامن أليك من طماحك، و يكف عنك من غربك، و يفیء إلیك بما عزب عنك من عقلك.»^{۵۶}

«... و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی، به عظمت حکومت پروردگار عالم که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می دهد، و تند روی تو را فرو می نشاند، و عقل و اندیشه ات را به جایگاه اصلی باز می گرداند.»

تیزبینی و جدیت:

بازرسی زبردست و ما هر، کسی است که در رسیدگی به عملکرد تعریف شده ی افراد از جمله اسناد مالی و هر آنچه که دلالتی واضح و مستند بر وجود سوء جریان و یا حکایت از تعلل و کارشکنی در انجام وظایف و تکالیف قانونی دارد، بسی راسخ و تیزبین و جدی و مصمم باشد تا از این

رهگذر نیکوکار و بدکار از هم تمییز داده شوند و در نتیجه نیکوکار به انجام کار نیک دلگرم شده و بدکار در انجام کار بدش، باز داشته شود. مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام در خطاب به مالک اشتر فرمودند: «و لا یكون المحسن و المسی عندک بمنزلہ سواءٍ فان فی ذلک تزهیدا لاهل الاحسان و تدریبا لاهل الاساءه علی الاساءه و الزم کلا منهم ما ألزم نفسه»^{۵۷}

«.. هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا در اینصورت، نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می گردند بنابر این هر کدام از آنان را بر اساس کاری که انجام داده اند پاداش ده.»

و نیز فرمودند: «اعرف لکل امری منهم ما أبلی و لا تضمن بلاء امری الی غیره و لا تقصرن به دون غایه بلائه.»^{۵۸}

«رنجنامه هرکس را بشناس، و فداکاری کسی را به پای دیگری مگذار، و هرگز در بزرگداشت رنج و فداکاری کسی، کوتاهی مکن.»

در دیدگاه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، موضوع ارزشیابی دقیق در تشخیص نیک و بد، از آنچنان اهمیتی برخوردار است که آن حضرت حتی انجام بازرسی و مراقبت پنهانی و غیر محسوس را مجاز و بلکه لازم و ضروری دانسته و در عهد نامه مالک اشتر در امر تعیین بازرس، پس از آنکه مرقوم داشتند: «و ابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم»

«.. و بازرسانی راستگو و وفادار بر آنان (کارگزاران) بگمار.»

به مراقبت پنهانی و غیر محسوس اشاره داشته و می فرمایند: «.. فان تعا هدک فی السر لامور حدوه لهم علی استعمال الامانه و ا لرفق با لرعیه.»^{۶۰}

«هما نا مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، انگیزه امانتداری و مهربانی نمودن را در آنان برمی انگیزاند»

می بینیم که در دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام انجام بازرسی غیر محسوس نیز یک اصل محسوب می گردد. لیکن تأکید می نمایم که رعایت مسائل اخلاقی در امور سیاسی و اجتماعی و حاکمیتی و انجام وظایف حکومتی بسیار دقیق و حساس، می باشد به گونه ای که افراط در هریک از این دو امر (امور اخلاقی _ التزام به امور حکومتی) تفریط و بلکه تعطیلی امر دیگری را موجب خواهد گشت، بر این اساس همان مولایی که می فرمایند: از عیبجویی عیب های پنهانی بر حذر باش. آنگاه که سخن از دقت نظر و تیزبینی و فراست در امور حاکمیتی به میان می آید به اعمال هوشمندی و تیزبینی و کیاست در امور مربوط به کارگزاران امر نموده و می فرمایند: «لا یکن اختیارک إیاهم علی فراستک و استنامتک و حسن الظن منک، فأ ن الرجال یتعرفون لفراست الولاة بتصنعهم و حسن خدمتهم و لیس وراء ذلک من النصیحه و الا مائة شی و لکن اختبرهم بما ولوا للوالحین قبلک»^{۶۱}

«مبادا در گزینش نویسندگان و منشیان، بر تیز هوشی و اطمینان شخصی و خوش باوری خود تکیه نمایی، زیرا که افراد زیرک با ظاهری سازی و خوش خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می نمایند، که در پس این ظاهر سازی ها، نه خیر خواهی وجود دارد، و نه از امانت داری خبری هست. لکن آنها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده اند بشناس» (به حسن سابقه ی آنان توجه نمای اگر حسن سابقه داشته باشند)

و فراتر از آن، امام علیه السلام در فرازی دیگر، اعلان خطر نموده و

می نویسند: «. و مهما كان في كتابك من عيب فتغا بيت عنه الزمته.»

۶۲

«... و هرگاه که در کار نویسندگان و منشیان تو کمبودی و عیبی وجود داشته باشد که تو بی خبر باشی، خطرات آن دامنگیر تو خواهد بود.»

لیکن باید به این اصل نیز التفات داشت که، اموری هستند که جنبه‌ی شخصی و خصوصی داشته و معمولاً از مقوله‌ی کتمان، و سِر، می‌باشند، و به یقین ورود بازرسی به هر شکلی در مواردی اینچنینی شایسته نبوده و ای بسا تالی فاسدی هم داشته باشد، چنانکه مولای متقیان امام علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: «... فأن في الناس عيوباً الوالی احق من سترها، فلا تكشفن عما غاب منها فانما عليك تطهير ما ظهر لك، و الله يحكم علی ما غاب عنك، فاستر العورة ما استطعت، یستر الله منك ما تحب ستره من رعیتك.»^{۶۳}

«... زیرا به تحقیق مردم دارای عیب‌هایی هستند که، زمامدار باید بیش از هرکس دیگر در پرده پوشی آن عیب‌ها بکوشد، بنابر این به کشف عیب‌هایی که بر تو پنهان مانده است، مپرداز، زیرا وظیفه‌ی تو تنها زدودن عیب‌هایی است که از آنها آگاه شده‌ای، و درباره‌ی آنچه که از تو پنهان مانده است، تنها خدا داوری خواهد کرد، پس، تا می‌توانی عیوب مردم را بپوشان تا خدا نیز آنچه را که تو دوست داری از مردم پوشیده بماند، برای تو فرو بپوشاند.»

تا کید می‌نماییم که، خلط موضوع نشود، انجام بازرسی نامحسوس و پنهانی با تجسس در امور پنهانی و شخصی افراد تفاوت اساسی دارد، چرا که مقوله‌ی اول یعنی انجام بازرسی نامحسوس در امور مربوط به

شرح وظایف کارگزار، مورد امر بوده و انجام آن برای بازرس، در صورت موضوع ما موریت واقع شدن، وظیفه می باشد.

در حالی که تجسس در امور شخصی و حریم خصوصی افراد جامعه ای که کارگزاران بخشی از آن هستند ممنوع می باشد.

عزت نفس و پرهیز از ذلت و خواری:

لازم است، بازرس در حکومت اسلامی، عزت نفس و بی نیازی از مردم را سرلوحه ملکات نفسانی خود قرار داده و با خواهش های نفسانی مبارزه نماید که ضرورتاً، لازمه ی رسیدن به عزت نفس، صیانت نفس و تقابل با هواهای نفسانی است.

خواهش های نفسانی می تواند هم از عناصر مادی باشد و هم می تواند از عناصر معنوی باشد. عناصر مادی مثل کسب ثروت، عناصر معنوی مثل کسب شهرت، بنابراین از جمله خواهش های نفسانی کسب ثروت می باشد. پروا ضح است که کسب ثروت راه های حلالی دارد و هم راه های حرام، که حدود و ثغور آن را دین مبین اسلام، مشخص نموده است.

به عنوان مثال، دریافت رشوه از مصادیق کسب درآمد های حرام و نامشروع می باشد. معمولاً رشوه، زمانی اخذ می شود که حقی، باطل گشته و باطلی، حق جلوه داده شود و یا حقی داده نشود و فرد محق مجبور به پرداختن رشوه گردد تا به حق خود برسد. در حالت اول رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو فعل حرامی را مرتکب می شوند و در حالت دوم، شکی در حرمت فعل رشوه گیرنده نیست و اما حکم فعل رشوه دهنده در این فرض، به شرائط و حالات او و میزان ضرورتی که برایش

متصور است، مربوط می شود.

باید توجه داشت که، در بسیاری از موارد، توسط سود جویان فرصت طلب، سعی بر آن می شود، تا با عناوینی از قبیل هدیه، کمک مالی و یا به عنوان تقدیر و تشکر از عملکرد، موضوع رشوه را تغییر دهند در حالی که با اندکی تأمل، در می یابیم که فقط نام را عوض نموده اند و یا بر آن هستند به نحوی قبح دریافت رشوه را از بین ببرند بنابراین، لازم است بازرس از همان ابتدای پیشنهاد های پذیرش هدایا از افرادی که مورد بازرسی شدن واقع هستند، مقاومت نموده و بلکه به نحو شایسته با پیشنهاد دهندگان پرداخت هدایا برخوردی قاطع و عبرت آموز داشته باشد، چراکه اگر حریم و قبح برخی از اعمال ولو اینکه در قطعیت حرمت آن تردید داشته باشیم، شکسته شود، معلوم نیست در مراحل بعدی گرفتار چه مهلکه هایی خواهیم شد، که در آن صورت نجات از آن به راحتی ممکن باشد و تجربه نشان داده است که شیطان ملعون و ایادی او از کم آغاز نموده اند ولی هرگز به کم، قانع نشده اند. در حدیثی از امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل است که آن حضرت در خطاب به شاگرد ممتازشان فرمودند: «یا هشام ان المسیح علیه السلام قال للحواریین: .. و ان صغار الذنوب و محقراتها من مکائد ابلیس یحقرها لکم و یصغرّها فی أعینکم، فتجمع و تکثر فتحیط بکم.»^{۶۴}

«ای هشام به راستی مسیح علیه السلام به حواریین گفت: ... و همانا گناهان خرد و کوچک دام های شیطانند که شیطان آنها را در پیش شما حقیر و خرد جلوه می دهد، آنگاه (در حالی که غافل هستید، آن گناهان جمع و زیاد شده تا اینکه به صورت کامل بر شما احاطه گردند...»

مدارا و سازش در رفتار:

از جمله صفت پسندیده ای که یک بازرس باید به آن آراسته باشد، سازش در رفتار و نرمش با مخاطبین است. ناگفته نماند که حسن سلوک رفتاری یک بازرس در محل بازرسی بیشتر در رعایت زبان در پرهیز از بیان تند می باشد. می توان در انجام وظیفه ی بازرسی، جدی، مصمم و دقیق بود، در عین حال رعایت متانت، شکیبایی، نرمش و ملاحظت و سازش در رفتار را که بارزترین آن مربوط به نوع و کیفیت گفتار بیانی است، اعمال نمود.

خداوند متعال به پیامبری مثل حضرت موسی علیه السلام (به همراه هارون) مأموریت می دهد تا فاسدی مثل فرعون را به طغیانگری و فسادش تذکر دهند، چقدر زیباست که در مأموریتی این چنینی به موسی امر می کند «فقولا له قولا لینا»^{۶۵}

«و با او با کمال آرامی و نرمی سخن گوئید.» «لعله یتذکر أو یخشی»^{۶۶} «باشد که متذکر شود یا از خدا بترسد.»

از آیه مذکور دو نکته برداشت می شود. نکته ی اول اینکه هدف از امر به معروف و نهی از منکر و انجام رسالت نظارتی، اصلاح امور می باشد. نکته دوم اینکه، بیان نرم همراه با لطافت و مهربانی، بیشتر مقرون به صلاح بوده لذا به این شیوه در انجام رسالت نظارتی، تذکر و التفات، داده می شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- اطلاعات و تحقیقات در اسلام ، مرحوم آیت الله احمدی میانجی
- ۲- قرآن کریم، سوره مائده آیه ۱۵
- ۳- تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی چاپ بیروت جلد سوم صفحه ۲۶۵
- ۴- تفسیر جوامع الجوامع، شیخ طبرسی جلد اول صفحه ۳۱۸
- ۵- نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۵۳ (عهد نامه مالک اشتر)
- ۶- قرآن کریم، سوره شعرا- آیه ۵۷
- ۷- نهج الفصاحه، کلام ۲۰۰۶
- ۸- نهج البلاغه، حکمت شماره ۴۳۷
- ۹- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد هشتم- صفحه های ۳۸۶-۳۸۸
- ۱۰- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد هشتم- صفحه ۳۹۱
- ۱۱- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد هشتم- صفحه های ۳۹۱ و ۳۹۳
- ۱۲- قرآن کریم، سوره صف- آیه ۲
- ۱۳- قرآن کریم، سوره لقمان- آیه ۱۶
- ۱۴- قرآن کریم، سوره یونس- آیه ۶۱
- ۱۵- وسائل الشیعه، عاملی- جلد ۱۱ صفحه ۳۹۵
- ۱۶- نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۵
- ۱۷- نهج البلاغه ، نامه ۷۶
- ۱۸- نهج البلاغه، حکمت ۹
- ۱۹- قرآن کریم، سوره منافقون آیه ۸
- ۲۰- قرآن کریم، سوره حجر آیه ۸۸

- ۲۱- خصال، شیخ صدوق، باب چهارم شماره ۲۶
- ۲۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق صفحه ۳۲۴
- ۲۳- اصول کافی، کلینی - حدیث شماره ۲۱۹۸
- ۲۴- اصول کافی، کلینی - حدیث شماره ۲۱۳۸
- ۲۵- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق صفحه ۵۴۳
- ۲۶- مصباح الشریعه، ترجمه و شرح مصطفوی باب ۷۱
- ۲۷- قرآن کریم، سوره حجرات آیه ۱۲
- ۲۸- اطلاعات و تحقیقات در اسلام، احمدی میانجی - صفحه ۱۷۱
- به نقل از تفسیر المیزان
- ۲۹- تحف العقول، ابن شعبه حرانی صفحه ۳۰۶
- ۳۰- مکاسب محرمه، شیخ اعظم انصاری
- ۳۱- نهج البلاغه - حکمت شماره ۱۱۰ و تحف العقول صفحه ۴۳۳ و
- سفینه البحار جلد دوم صفحه ۱۱۱ با کمی تفاوت
- ۳۲- قرآن کریم، سوره شوری آیه ۴۱
- ۳۳- قرآن کریم، سوره نساء آیه ۱۴۸
- ۳۴ و ۳۵ و ۳۶- نهج البلاغه نامه شماره ۵۳
- ۳۷- نهج البلاغه، حکمت شماره ۳۴۵
- ۳۸- نهج البلاغه، حکمت شماره ۴۰۴
- ۳۹- نهج البلاغه، حکمت شماره ۳۴۱
- ۴۰- اصول کافی، کلینی، حدیث شماره ۳۵۰۷
- ۴۱- تحف العقول، ابن شعبه حرانی صفحه ۳۱۱
- ۴۲- تحف العقول، ابن شعبه حرانی صفحه ۴۱۸
- ۴۳- تحف العقول، ابن شعبه حرانی صفحه ۳۸۵

۴۴- تحف العقول ، ابن شعبه حرانی صفحه ۳۸۵

۴۵- تحف العقول ، ابن شعبه حرانی صفحه ۴۱۲

۴۶- شایان ذکر است که بنیاد نهج البلاغه متن نرجهه نامہ ی امیرالمؤمنین علیہ السلام بہ مالک اشتر را بہ صورت کتابی تحت عنوان حکومت و مردماری چاپ نموده و مطالب آنرا در یکصد و ده (۱۱۰) بند شماره گذاری نموده است و ما جهت سهولت دسترسی خوانندگان محترم بہ مطالب این نامہ (۵۳) حسب شماره های مذکور آدرس را قید می نماییم.

۴۷ و ۴۸- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۵

۴۹- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۲

۵۰ و ۵۱- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۳

۵۲- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۶

۵۳- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۵۶

۵۴ و ۵۵- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۷

۵۶- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۱۲

۵۷- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۲۸

۵۸- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۴۸

۵۹ و ۶۰- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۵۶

۶۱- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۶۶

۶۲- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۶۹

۶۳- نهج البلاغه ، نامہ ۵۳ بند ۲۰

۶۴- تحف العقول، ابن شعبه حرانی صفحه ۴۱۳

۶۵ و ۶۶- قرآن کریم، سوره طہ آیه ۴۴

آدرس: تهران
خیابان طالقانی- تقاطع خیابان شهید سپهبد قرنی
سازمان بازرسی کل کشور- طبقه دوم
مرکز پژوهش و برنامه ریزی
تلفن : ۶۱۳۶۲۰۳۲

E-mail: Researchcenter.gio@gmail.com

www.gio.ir